

اثر شخصیت دانش آموز بر عملکرد یادگیری



اشاره

امروزه شاهد گسترش سیستم‌های آموزش الکترونیکی سازگار با کاربران هستیم که طیف وسیعی از فرایندها و تکنیک‌های انطباقی را توسعه داده‌اند. سیستم‌های آموزش الکترونیکی به بهینه‌سازی سبک یادگیری کاربران کمک می‌کنند. این مقاله که براساس تحقیق تجربی جوین کیم (مهندس طراحی آموزشی)، هریم لی و هوگ یانگ ریواز بخش مهندسی صنعتی دانشکده مهندسی دانشگاه هان یانگ سئول و مطالعات کتابخانه‌ای نوشته شده است؛ رابطه شخصیت را با عملکرد یادگیری در آموزش الکترونیکی بررسی کرده و در پایان راهکارهایی برای طراحی سیستم‌های آموزش الکترونیکی سازگار با کاربران ارائه داده است.

کلیدواژه‌ها: طراحی سیستماتیک، سبک‌های یادگیری، صفات شخصیتی، آموزش الکترونیکی تطبیقی

۲. ویژگی‌های سطحی که نشان دهنده سطح دانش فعلی دانش آموز هستند.
۳. ویژگی‌های شناختی که موارد پردازش شده اطلاعات دانش آموز را نشان می‌دهند.
در گذشته، ویژگی‌های سطحی و شناختی در طراحی آموزشی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، اما به ویژگی‌های شخصیتی و نقش آن بر عملکرد یادگیری کمتر پرداخته شده است. با این حال، مطالعات

در حال حاضر، بسیاری از مطالعات، به منظور دستیابی به بهترین تجربیات یادگیری، توجه خود را به طبیعت ذاتی دانش آموزان، منافع، شخصیت و سطح دانش آن‌ها معطوف ساخته‌اند. مطالعات اولیه در مدل‌های آموزشی نشان می‌دهند که دانش آموزان سه ویژگی متمایز منطقی دارند:
۱. ویژگی‌های شخصیتی که نگرش دانش آموز درباره یادگیری را نشان می‌دهند.

ویژگی‌های شخصیتی یادگیرنده از جمله موارد تأثیرگذار در انتخاب شیوه آموزشی معلم است

روی اثرات شخصیت در یادگیری نشان داده‌اند، تعیین روش مناسب آموزشی برای هر فرد، تحت تأثیر نگرش و رفتار او قرار دارد.

اثر شخصیت و سبک‌های یادگیری

بسیاری از روان‌شناسان آموزشی ادعا کرده‌اند دانش‌آموز تحت تأثیر شخصیت خود ممکن است برای شرکت کردن یا نکردن در فرایند یادگیری تصمیم بگیرد. آن‌ها استدلال کرده‌اند، شخصیت در واقع منعکس کننده، اولویت‌های یک فرد برای به‌دست آوردن اطلاعات و گرفتن تصمیمات است. تعداد بسیار کمی از سیستم‌های آموزش الکترونیکی انطباقی این ویژگی (اثر شخصیت) را در مدل‌های خود در نظر گرفته‌اند، چرا که هیچ راه ساده‌ای برای طراحی مدل منطبق با اثرات شخصیت وجود ندارد.

از آنجا که نظریه‌های متعددی درباره صفات شخصیتی وجود دارد، این تحقیق بر مبنای نظریه‌ای که به طور گسترده در حوزه آموزش و پرورش استفاده می‌شود صورت پذیرفته و در آن دو اصل در نظر گرفته شده است: اول آنکه پیشرفت مساوی در تمام ابعاد مطلوب نیست و بعد غالب باید بیشتر توسعه یابد. دوم اینکه افراد قادر به توسعه هم‌زمان دو صفت در یک بعد نیستند. این امر به غالب بودن یک اولویت و در نتیجه کاربرد بیشتر آن و اعتماد به آن در فرایند یادگیری می‌انجامد. از این رو، فرد در مورد آنچه در نظر او بهترین است وقت و انرژی بیشتری صرف می‌کند. در این نظریه، صفات شخصیتی در چهار بعد متمایز تقسیم‌بندی شده‌اند:

الف) برونگرا - درونگرا

برونگرایان بر دنیای بیرون از اطلاعات و اقدامات عملی تمرکز دارند، در حالی که افراد درونگرا بر دنیای اندیشه و احساسات تمرکز می‌کنند. بر این اساس، برونگراها آزادانه ایده‌های خود را بیان می‌کنند و به راحتی به دنبال بازخورد از دیگران هستند. آن‌ها دوست دارند اول عمل کنند و بعد بازخورد دریافت کنند. آن‌ها ابتدا ایده کلی را می‌گیرند و سپس به سمت کسب اطلاعات بیشتر حرکت می‌کنند. در نتیجه، زمان کمتری را برای دریافت اطلاعات و دانش جدید صرف می‌کنند. در مقابل، افراد درونگرا قبل از اقدام به همه چیز فکر می‌کنند، احساسات خود را بیان نمی‌کنند و در آموزش نگرش جزء به کل دارند. در آموزش الکترونیکی، برون‌گرایان تعامل رودر رو را ترجیح می‌دهند، در حالی که درون‌گرایان ارتباط ناهم‌زمان را می‌پسندند. آن‌ها دوست دارند پس از یادگیری کامل یک موضوع به سراغ موضوع بعد بروند.

ب) منطقی - شهودی

در نوع منطقی افراد اطلاعات را درباره آنچه اتفاق می‌افتد، با تمرکز بر حقایق قابل مشاهده، داده‌ها و پدیده‌ها جمع‌آوری می‌کنند.

در مقابل، یادگیرندگان نوع شهودی با تمرکز بر تصویر بزرگ‌تر و پیدا کردن پیوندها، الگو، روابط و معنای واضح اطلاعات ارزیابی شده را به‌دست می‌آورند. در آموزش الکترونیکی، یادگیرندگان منطقی در چارچوبی منظم به دستورالعمل‌های روشن و مستقیم نیاز دارند، در حالی که یادگیرندگان شهودی محتوای انتزاعی را می‌پسندند، چرا که آن‌ها تئوری را به تجربه ترجیح می‌دهند.

ج) تفکری - احساسی

یادگیرندگان نوع احساسی به تصمیم‌گیری بر اساس ارزش‌های ذهنی تمایل دارند، در حالی که یادگیرندگان نوع تفکری تصمیمات خود را بر پایه منطق، حقایق و قوانین می‌گیرند و دانش سطحی را بهتر از یادگیرندگان احساسی یاد می‌گیرند. در آموزش الکترونیکی، یادگیرندگان تفکری از آموزشی که به دنبال یک الگوی آموزش سنتی بیاید لذت می‌برند.

د) قضاوتی - ادراکی

یادگیرندگان ادراکی از انعطاف‌پذیری لذت می‌برند و در آموزش الکترونیکی، جداول زمانی ثابت و مراحل تعاملی را که به شدت کنترل می‌شوند دوست ندارند.

اگرچه دو بعد آخر به اندازه دو بعد «برونگرا - درونگرا» و «منطقی - شهودی» از نظر تفاوت‌های شخصیتی قوی نیستند، اما برخی مطالعات نشان می‌دهند که در تعیین سبک یادگیری ممکن است نسبت به ابعاد دیگر مفیدتر باشند، چرا که این دو بعد به چگونگی تصمیم‌گیری مردم اشاره می‌کنند.

شناخت نوع شخصیت یادگیرنده می‌تواند به شناسایی اولویت‌های یادگیری و نقاط قوت او کمک کند. از این شناسایی می‌توان برای به حداکثر رساندن پتانسیل یادگیرنده در طرح‌های آموزشی استفاده کرد. همچنین، شناسایی اولویت‌های یادگیری، به طراح کمک می‌کند بتواند برای هر شخصی مواد آموزشی سفارشی طراحی کند.

نقش شخصیت در سیستم‌های آموزش الکترونیکی

بر اساس آزمایشاتی که گروه تحقیقاتی دانشگاه هان یانگ سؤال انجام دادند، نتایج زیر حاصل شد:

الف) شخصیت به راحتی می‌تواند فعالیت‌های یادگیری یک سیستم آموزش الکترونیکی را تحت تأثیر قرار دهد.

ب) یادگیری موضوعات آموزشی که با سبک‌های یادگیری یادگیرندگان متناسب باشد، با سایر موضوعات آموزشی تفاوت دارد.

ج) یادگیرندگان نوع شهودی، نسبت به سایرین، در آموزش به نتایج بهتری دست یافته‌اند.

د) یادگیرندگان نوع تفکری، دانش سطحی را بهتر یاد می‌گیرند.

البته بعید نیست که یادگیرنده سبک یادگیری متفاوت از ویژگی شخصیتی خود را در یک موقعیت یادگیری واقعی به کار بگیرد. با این حال، داده‌ها نشان می‌دهند، حداقل هنگام طراحی سیستم‌های



آموزشی دقت بیشتری لازم است و آگاهی از ویژگی‌های شخصی افراد و محتوای آموزشی باید به طراحان سیستم‌های آموزش الکترونیکی منتقل شود.

در نظر گرفتن ویژگی‌های شخصیتی در طراحی سیستم‌های آموزش الکترونیکی

در این آزمایش، دو سیستم آموزش الکترونیکی با دو سبک شناختی (کل به جزء و جزء به کل) بر اساس ویژگی‌های شخصی طوری طراحی شدند که:

- هر موضوع آموزشی بر اساس ویژگی‌های شخصی برون‌گرا و درون‌گرا در نظر گرفته شده بود.
- ساختار محتوایی هر سیستم به طور مجزا از هم و به عنوان متغیرهای مستقل استفاده شد.
- متغیرهای وابسته تعداد پاسخ‌های صحیح و تعداد بازبینی صفحات بودند.
- از شرکت کنندگان خواسته شد برای تعیین درک خود از ساختار دوره آموزشی نقشه مفهومی درس را ترسیم کنند.
- با به کارگیری شخصیت در طراحی سیستم‌های آموزش الکترونیکی نتایج زیر حاصل شد:
- یادگیرندگانی که به خوبی با ساختار محتوای آموزشی منطبق شده‌اند، کمتر به بازبینی صفحات قبلی پرداخته‌اند.
- درصد موفقیت شرکت کنندگان برون‌گرای، که از سیستم آموزشی برای هر درس پیش‌نمایشی ارائه می‌داد، بیشتر بود.
- یادگیرندگان درون‌گرا در سیستمی آموزشی که سبک شناختی جزء به کل داشت موفق بودند.
- سیستم آموزش الکترونیکی که ساختار عمقی آن از سبک شناختی کل به جزء است برای یادگیرندگان برون‌گرا مناسب‌تر بود.

نتیجه‌گیری کلی

در این مقاله این موضوع را بررسی کردیم که چگونه ویژگی‌های صفات شخصیتی می‌تواند در طراحی سیستم‌های آموزش الکترونیکی به کار گرفته شود و با رسیدن به این هدف، یک رویکرد عملگراییانه برای طراحان سیستم‌های آموزش الکترونیکی بر اساس مدل کاربر فراهم شود. آزمایش اول ویژگی‌های ابعاد شخصیتی را نمایان ساخت و در آزمایش دوم به ترکیب صفات شخصیتی در طراحی ساختار محتوای آموزشی به طور تجربی پرداخته شد. در نهایت، نتایج زیر از انجام این آزمایشات گرفته شد:

۱. ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند میان یادگیرنده و طراح آموزشی واسطه قرار گیرد تا ساختار و محتوای مناسب آموزشی مشخص شود.
۲. از نظریه‌های صفات شخصیتی می‌توان در طراحی سیستم‌های آموزش الکترونیکی بهره برد.
۳. درک بهتر شخصیت می‌تواند رضایت‌مندی از نیازهای یادگیری فرد را بهبود بخشد تا مریبان محیط مطلوبی را برای یادگیری ارائه دهند.

طراحی محتوای الکترونیکی مبتنی بر سبک‌های یادگیری موجب می‌شود یادگیرندگان با سهولت و لذت بیشتری از یادگیری بهره‌مند شوند

سیستم‌های آموزش الکترونیکی منطبق با شخصیت کاربر که امروزه طراحی می‌شوند، به طور پیوسته محتوای آموزشی خاصی را دنبال نمی‌کنند و یا از فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان در مورد راهبردهای گوناگون کسب علوم حمایت نمی‌کنند. بنابراین، ما همواره باید به دنبال ارائه راهنمایی‌های عملی برای طراحی تجارب الکترونیکی بهینه‌سازی شده که بر اساس ویژگی‌های شخصیتی یادگیرندگان باشند، اهتمام بورزیم، چراکه سیستم آموزش الکترونیکی انطباقی می‌تواند اثرات تطبیقی را به عنوان اصلاح‌کننده خودش برای سازگاری هر چه بیشتر با یادگیرندگان نشان بدهد.